

## شرح منظومه غررافرائد



■ حاجی ملاهادی سبزواری  
■ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
■ ۸۶۲ صفحه

این کتاب حجیم و کم‌نظیر متن عربی شرح منظومه اثر حاجی ملاهادی سبزواری است که در ابواب مختلف حکمت به رشته‌ی نظم درآمده است. مولف این کتاب را به هفت مقصد تدوین کرده که به ترتیب عبارت‌اند از: امور عامه، جوهر و عرض، الهیات به معنی اخص، طبیعیات، نبوات و منامات، معاد، و شطری از علم اخلاق.

## مفتاح الطب و منهاج الطلاب



■ تالیف ابوالفرج علی بن حسین بن هندو  
■ موسسه مطالعات اسلامی  
■ ۳۸۱ صفحه

این کتاب در اصل کتابی است که برای دانش‌پژوهان طب تالیف شده و از مهم‌ترین تالیفات ابن‌هندو به شمار می‌رود. این اثر با وجود اختصار دارای مطالبی گوناگون در تاریخ طب و آداب دانشجویان این فن است. در اهمیت این کتاب همین بس که ظهیرالدین بیهقی درباره آن می‌گوید: «در شرافت و فواید علم پزشکی کتابی همچون مفتاح الطب نیافته‌ام.»

## اشترنامه



■ فریدالدین عطار  
■ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
■ ۲۷۶ صفحه

این اثر از روی ۵ نسخه تصحیح شده که قدیمی‌ترین آن، متعلق به دانشگاه بازل سوئیس است که بیش از ۹ هزار بیت دارد و نسخه دیگر متعلق به ترکیه شامل ۱۲ هزار بیت است. چون ۳ نسخه موجود در ایران از ۴۰۰۰ بیت تجاوز نکرده‌اند، تا پیدا شدن نسخه سوم اشترنامه، به چاپ قسمت اول کتاب که با سه نسخه داخل ایران تصحیح شده، اکتفا شده است.

«پس هستی من زهستی اوست/ تا هستم و هست دارمش دوست».

در سال ۱۳۵۳ به عنوان رئیس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد و با استفاده از امکانات موسسه مطالعات اسلامی، ۱۰ اثر به استادان آن رشته تقدیم داشت و نیز در همین سال به عنوان عضو هیات امنا با انجمن فلسفه همکاری کرد و در نشر آثار علمی دانشمندان شیعی ایرانی، به وسیله آن انجمن در این توفیق علمی سهیم شد.

پس از بازنشستگی در سال ۱۳۶۱، هر سال سه ماه در کانادا به مدت پنج سال تدریس کرد و پس از آن پنج سال در موسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی به عنوان «استاد ممتاز فلسفه اسلامی» به تدریس و تحقیق اشتغال ورزید و نشر مجموعه‌ای از متون و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی را بنیان نهاد که تاکنون دوازده مجلد از آن به وسیله آن موسسه در تهران و کوالالمپور، در مجموعه «اندیشه اسلامی» منتشر شده است. و نیز به دعوت دانشگاه آکسفورد سالی یک ماه در آنجا به تحقیق و مطالعه درباره تاریخ پزشکی اشتغال داشت و برخی از استادان را در راهنمایی رساله‌های دکتری، در زمینه علوم اسلامی یاری کرد.

پس از انقلاب اسلامی به ریاست دانشکده دماوند منصوب شد و پس از آن در سال ۱۳۶۱ سازمان دایره‌المعارف تشیع را پایه‌ریزی کرد و همچنین پس از انتصاب به عضویت هیات امنای بنیاد دایره‌المعارف اسلامی در سال ۱۳۶۲ مدت دو سال، به‌عنوان مدیرعامل آن نهاد را سازمان داد و اداره کرد. بعد از بازنشستگی در دوره‌های فوق لیسانس و دکتری دانشگاه‌های مشهد، اصفهان، امام صادق (ع)، الزهراء، تربیت مدرس، تربیت معلم و دانشگاه آزاد اسلامی کرج تدریس و دانشجویان را در تحریر رساله‌های فوق لیسانس و دکتری راهنمایی کرد. وی در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد تراز اول محسوب می‌شود و در زبان انگلیسی نیز می‌نویسد و در مجامع علمی بین‌المللی فعال است.

در سال ۱۳۷۵ «محمود» فرزند دیگر دکتر محقق به عرصه وجود گام نهاد و در سال ۱۳۷۷ «نرگس» به مصداق: «سینه نرگسانت پر از شرم باد/ رخانت همیشه پر ازرم باد» زندگی استاد را طراوتی دیگر بخشید. محمود و نرگس فرزندان دکتر محقق و خانم نسرين امیری هستند.

دکتر محقق در حال حاضر رئیس هیات امنای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دایره‌المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان‌های اردن، سوریه، هند و مجمع بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین‌المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. دکتر محقق بارها به دانشجویان در مورد مقام و منزلت استاد و معلم، توصیه کرده است و خود در دانشگاه تهران یا انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور بسیاری از استادان، از جمله آیت‌الله کاشف‌الغطاء و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آقا شیخ محمدتقی آملی و بدیع‌الزمان فروزانفر، آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده آملی و استاد میرزا ابوالحسن شهرانی و سیدکاظم عصار، محمد معین، استاد بدیع‌الزمانی کردستانی، خانم‌ها توران میرهادی و نوش‌آفرین انصاری که تخصص کتاب کودک دارند، مورد تجلیل قرار داده است.

و از من خواست نوع کلمات را از نظر صرف و حالت آن‌ها مشخص کنم. من بی‌درنگ پاسخ می‌دادم و پدر می‌نگریست. این نخستین بار بود که طعم شیرین موفقیت در علم را می‌چشیدم اما مرگ ناگهانی استاد در اورازان، کاخ آرزوهای مرا فروریخت و چند شب متوالی در سوگ این مصیبت گریستم.»

پس از استاد ورامینی، دیگر هیچ استادی نتوانست مهدی محقق را راضی کند. او به هر مدرسه‌ای مراجعه کرد؛ مدرسه لزهاده، مدرسه حاج ابوالفتح و مدرسه سپهسالار و سرانجام در سال ۱۳۲۶ راهی قم شد و در مدرسه فیضیه، در سلک طلاب رسمی بی‌لباس به تحصیل پرداخت. «در سال ۱۳۲۳ ملبس به لباس روحانیت شدم، البته در سال ۲۷، نفر سوم امتحان ورودی این دانشکده علوم معقول و منقول شدم و سپس در این دانشکده تحصیل کردم. در سال دوم دانشکده ادبیات بودم که مناسب دیدم لباس روحانیت را که مدت پنج سال بر تن داشتم، کنار بگذارم و این را با مشورت پدر و مرحوم راشد انتخاب کردم و به من گفتند که تدریس و تحقیق برایم بهتر است و اینها مقید به لباس نیست.

در یک دوره پس از اخذ لیسانس، سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹، دبیر و در مجموعه نسخ خطی کتاب‌خانه ملی فرهنگ آن دوره نیز فعال شدم، سپس دکترای الهیات و معارف اسلامی گرفتم و یک سال بعد از آن هم دکترای زبان و ادب فارسی و به دانشجویی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درآمد.»

در سال ۱۳۴۰ با توجه به تسلط دکتر محقق به زبان و ادبیات عرب و علوم اسلامی، از طرف دانشگاه لندن برای تدریس در دانشکده زبان‌های شرقی دعوت شد. تدریس در دانشگاه لندن فرصت خوبی برای تسلط یافتن در زبان انگلیسی بود؛ زیرا لازم بود قبل از تدریس متون فارسی را به زبان انگلیسی ترجمه و تفسیر کند. استاد محقق دو سال در لندن از مصاحبت دانشجویان ایرانی برجسته‌ای، همچون مرحوم احمد تفضلی و پرفسور سرکارانی و مهرداد بهار برخوردار بود. در سال ۱۳۴۲ پس از بازگشت از لندن به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت و در هشتم آذر همین سال با فرزند مرحوم عبدالحسین مسعود انصاری، سفیر ایران در کشورهای مختلف، خانم دکتر نوش‌آفرین انصاری، عضو علمی کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران ازدواج کرد و در آخر شهریور ۱۳۴۳ نوزادی پا به عرصه وجود نهاد که مهدی محقق او را به یاد پدر «عباس» نامید.

در سال ۱۳۴۴ در پی دعوت دانشگاه مک‌گیل، برای تدریس عازم کانادا شد و توفیق در امر تدریس و عرضه کردن فضای نو در علوم عقلی اسلامی موجب شد که دانشگاه با پیشنهاد تاسیس شعبه مک‌گیل در تهران موافقت کند. سرانجام این موسسه در چهاردهم دی ماه ۱۳۴۷ در تهران رسماً افتتاح شد. نتیجه آن نشر بیش از ۶۰ اثر نفیس در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است که با همکاری متجاوز از سی تن از استادان داخل و سی تن از استادان خارجی در دو مجموعه «سلسله دانش ایرانی» و «تاریخ علوم در اسلام» فراهم آورد و به جامعه علمی تقدیم داشت.

در آبان ۱۳۴۸ چراغ خانه استاد با تولد «هستی» یک بار دیگر به نور و روشنایی مزین شد: خداوند دختری به ما عطا فرمود که چون در جریان شرح منظومه سبزواری، هر روز بحث از وجود و هستی بود نامش را «هستی» گذاشتیم.

در سال ۱۳۴۰ با توجه به تسلط دکتر محقق به زبان و ادبیات عرب و علوم اسلامی، از طرف دانشگاه لندن برای تدریس در دانشکده زبان‌های شرقی دعوت شد. تدریس در دانشگاه لندن فرصت خوبی برای تسلط یافتن در زبان انگلیسی بود؛ زیرا لازم بود قبل از تدریس متون فارسی را به زبان انگلیسی ترجمه و تفسیر کند.